

Relationship between Personality and Marital Satisfaction

رابطه شخصیت و رضایت زناشویی

Batool Ahadi, Ph.D.

دکتر بتول احدی*

Abstract

The purpose of the present study was to determine the relationship between the personality variables of the five-factor model and marital satisfaction. The sample of the study included 400 mothers of primary school children in Tehran. Data was collected through administration of NEO-Five Factor Inventory and ENRICH questionnaire. The results of the study showed significant negative relationship between Neuroticism and marital satisfaction. But agreeableness and conscientiousness were positively correlated with marital satisfaction. These findings suggest that agreeableness and conscientiousness deserve increased attention as significant correlates of marital satisfaction.

Key words: big five factor model of personality, marital satisfaction, neuroticism, agreeableness.

چکیده

هدف پژوهش حاضر تعیین رابطه بین متغیرهای شخصیتی مدل پنج عاملی و رضایت زناشویی بود. نمونه پژوهش مشتمل بر ۴۰۰ زن از مادران دانش آموزان دوره ابتدایی شهر تهران بود. برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه پنج عاملی نتو و پرسشنامه انریچ استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان داد که بین نوروژگرای و رضایت زناشویی رابطه منفی معنی دار وجود دارد ولی همسازی و وظیفه شناسی با رضایت زناشویی همبستگی مثبت دارند. این یافته ها دال بر آنست که همسازی و وظیفه شناسی به عنوان همبسته های مهم رضایت زناشویی سزاوار توجه بیشتری هستند.

واژه های کلیدی: مدل پنج عاملی شخصیت، رضایت زناشویی، نوروژگرای، همسازی

مقدمه

از جمله عوامل مهمی که بر کیفیت روابط زوجین تأثیر می گذارد، صفات شخصیتی آنان است. مفهوم شخصیت برای سال ها در بین محققان مورد چالش واقع شده و تعریف های متعددی درباره آن ارائه شده است. در سال های اخیر، با توسعه روشهای پیچیده آماری، رویکرد صفت بر مطالعات حوزه شخصیت تسلط پیدا کرده است. یکی از اولین نظریه های رویکرد صفت، نظریه آیزنک است که شخصیت را متشکل از سه بعد برون گرایی^۱ - درون گرایی^۲، نوروژگرایی^۳ - پایداری هیجانی^۴ و پسیکوژگرایی^۵ - کنترل تکانه^۶ در نظر گرفت. بعدها کتل با بهره مندی از روش تحلیل عاملی، شانزده عامل را برای شخصیت مطرح کرد. تحقیقات بعدی بر روی نظریه کتل نشان داد که شخصیت از پنج عامل تشکیل شده است، هرچند که بین محققان مختلف درباره تعیین عوامل، اختلاف نظر وجود دارد. کاستا و مک کرا (۱۹۸۹) شخصیت را متشکل از پنج عامل اصلی؛ نوروژگرایی، برون گرایی، تجربه پذیری^۷، همسازی^۸ و وظیفه شناسی^۹ عنوان کردند که هریک از این عوامل را محصول شش صفت می دانستند. کوستا و مک کری (۱۹۸۹) با استفاده از روشهای تحلیل عاملی به این نتیجه رسیدند که می توان در خصوصیات شخصیتی، پنج بعد اصلی در نظر گرفت. نوروژگرایی (N) به تمایل فرد برای تجربه اضطراب، تنش، ترحم جویی، خصومت، تکانش وری، افسردگی و حرمت خود پایین برمی گردد. برون گرایی به تمایل فرد برای مثبت بودن، جرات طلبی، پراثری بودن و صمیمیت اطلاق می گردد. تجربه پذیری به تمایل فرد برای کنجکاوی، عشق به هنر، هنرمندی، انعطاف پذیری و خردورزی گفته می شود. همسازی به تمایل فرد برای بخشندگی، مهربانی، سخاوت، همدلی، و همفکری، نوع دوستی و اعتمادورزی مربوط می شود، وظیفه شناسی به تمایل فرد برای منظم بودن، کارآمدی، قابلیت اعتماد و اتکا، خودنظم بخشی، پیشرفت مداری، منطقی بودن و آرام بودن برمی گردد.

در مطالعات مربوط به شناسایی عوامل تأثیرگذار بر کیفیت زناشویی، دو دیدگاه مطرح شده است، دیدگاه درون شخصی^{۱۰} و دیدگاه بین شخصی^{۱۱}. از دیدگاه درون شخصی، صفات شخصیتی عامل مهم تأثیرگذار بر عملکرد زناشویی است، در حالی که بر اساس دیدگاه بین فردی، تعامل های زوجین یا یکدیگر بر کنش زناشویی آنها تأثیر دارد. بسیاری از پژوهشگران براساس دیدگاه تلفیقی معتقدند که هر دو عامل (تعامل های بین شخصی و صفات شخصیتی) در کیفیت روابط زوجین اهمیت دارند (برادبوری و فین چام، ۱۹۸۸؛ کاکلین، هوستون و هاتس، ۲۰۰۰). برادبوری و فین چام (۱۹۸۸) بر این باورند که الگوهای تعاملی زوجین متأثر از ویژگیهای شخصیتی آنان است. صفات شخصیتی مانند بی ثباتی هیجانی و یا نوروژگرایی زمینه ساز آسیب پذیری پایا در فرد است که بر چگونگی سازگاری زوجین با تجارب استرس آور زندگی تأثیرگذار است. کاکلین و همکاران (۲۰۰۰) با انجام پژوهش طولی به

مدت سیزده سال بر روی زوجین بدین نتیجه دست یافتند که الگوهای تعاملی منفی بین زوجین ناشی از میزان بالای نوروژگرایی در آنان است. هرچقدر میزان نوروژگرایی در هریک از زوجین بیشتر باشد، رفتارهای تعاملی منفی بیشتری نسبت به همسر نشان می دهد و چنین رفتارهایی، رضایت زناشویی را کاهش می دهد.

نتایج حاصل از تحقیقاتی که از سه دهه پیش در زمینه تعامل های رفتاری^{۱۲} انجام شده است، نشان دادند که، الگوهای تعاملی منفی بین زوجین با عدم رضایت زناشویی، جدایی و طلاق رابطه دارد (گاتمن، ۱۹۹۴، ۱۹۹۸). در این پژوهشها، تعاملهای توأم با خصومت شدت یافته و فقدان گرمی و محبت، پیش بینی کننده های عدم رضایت زناشویی در نظر گرفته شده است.

گرچه به نظر می رسد صفات شخصیتی با افزایش و کاهش فراوانی و شدت رفتارهای تعاملی مختلف بر رضایت زناشویی تأثیرگذار است، با این حال در زمینه رابطه پنج عامل شخصیت و رضایت زناشویی، پژوهشها به بررسی رابطه نوروژگرایی و رضایت زناشویی متمرکز گشته اند و چگونگی رابطه عوامل دیگر شخصیت با کیفیت روابط زوجین چندان مورد مطالعه قرار نگرفته است (بوچارد، لوسیر و سبورین^{۱۳}، ۱۹۹۹؛ کارنی و برادبوری^{۱۴}، ۱۹۹۵؛ رابینز، گاسپی و موفیت^{۱۵}، ۲۰۰۲).

البته برخی از پژوهشگران به بررسی رابطه پنج عامل شخصیت و رضایت از روابط^{۱۶} پرداخته اند. پژوهش واتسون، فویارد و وایز (۲۰۰۰) نشان داد که همسازی و وظیفه شناسی با رضایت از روابط همبستگی مثبت دارد. این پژوهشگران معتقدند میزان بالای عامل همسازی سبب می شود فرد به هنگام تعامل های بین شخصی، هیجان های خود را تنظیم نموده و رفتارهای ملایم تری نشان دهد. همچنین از آن جایی که این دسته از افراد قادرند تضادهای ناشی از روابط را با سهولت بیشتری حل کنند، فراوانی و شدت رفتارهای تعاملی منفی آنان کاهش می یابد. بنابراین براساس پیشینه تحقیق، پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به این دو سؤال است که:

- ۱- آیا بین هریک از پنج عامل شخصیت و رضایت زناشویی زنان رابطه وجود دارد؟
- ۲- آیا هریک از پنج عامل شخصیت می توانند رضایت زناشویی را تبیین کنند؟

روش

جامعه آماری، نمونه و روش اجرای پژوهش
 طرح پژوهش حاضر پس رویدادی است. جامعه آماری این پژوهش از کلیه مادران دانش آموزان دوره ابتدایی شهر تهران در سال تحصیلی ۸۵-۱۳۸۴ تشکیل شده است. برای انجام این پژوهش از میان نوزده منطقه آموزش و پرورش شهر تهران به شیوه نمونه گیری تصادفی، دو منطقه و از هر منطقه، دو دبستان عادی - دولتی و از هر پایه در

- 1-Extraversion
- 2-Introversion
- 3-Neuroticism
- 4-Emotional Stability
- 5-Psychoticism
- 6-Impulse Control
- 7-Openness
- 8-Agreeableness

- 9-Conscientiousness
- 10-intrapersonal
- 11-interpersonal
- 12-behavioural interaction
- 13-Bouchar & Lussier & Sabourin
- 14-Karney & Bradbury
- 15-Robins & Gaspi & Moffitt
- 16-relationship satisfaction

بین ۰/۵۴ و ۰/۷۹ به دست آمد. در پژوهش حاضر ضریب پایایی پنج عامل با استفاده از روش آلفای کرونباخ بین ۰/۴۸ و ۰/۶۸ به دست آمد.

پرسشنامه رضایت زناشویی: در این پژوهش برای اندازه گیری رضایت زناشویی از پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ استفاده شد. السون و همکاران در سال ۱۹۸۹ برای ارزیابی زمینه های بالقوه مشکل زا یا شناسایی عوامل قوت و پر بار رابطه زناشویی «پرسشنامه پربارسازی و تقویت رابطه زناشویی (انریچ)»^۲ را تهیه کردند. السون معتقد است، این مقیاس به تغییراتی که در طول دوره حیات آدمی رخ می دهد و همچنین به تغییراتی که در خانواده به وجود می آید، حساس است (به نقل از خجسته، ۱۳۸۳).

در پژوهش حاضر برای اندازه گیری رضایت زناشویی از فرم ۴۷ سؤالی پرسشنامه انریچ که توسط سلیمانیان (۱۳۷۳) تهیه شده است، استفاده گردید. سلیمانیان در پژوهشی تحت عنوان «بررسی تفکرات غیرمنطقی زناشویی» درباره روایی و پایایی این پرسشنامه بیان می دارد که ابتدا پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ ۱۱۵ سؤالی با راهنمایی استادان روان شناسی ترجمه شد و روایی محتوایی پرسشنامه مورد تأیید قرار گرفت. سپس پرسشنامه بر روی یک گروه یازده نفری اجرا شد و ضریب پایایی آن با استفاده از روش آلفای کرونباخ محاسبه شد که عدد ۰/۹۳ به دست آمد. با توجه به زیاد بودن سؤال های پرسشنامه (۱۱۵ سؤال) که موجب خستگی بیش از اندازه آزمودنی ها می شد، تصمیم گرفته شد که فرم کوتاهی از آن تهیه شود. برای این منظور ابتدا همبستگی هریک از سؤالات با کل پرسشنامه از طریق ضریب همبستگی محاسبه گردید. سپس ۴۷ سؤال که از همبستگی نسبتاً بالایی برخوردار بودند، انتخاب شدند و مجدداً ضریب پایایی فرم ۴۷ سؤال بر روی یک گروه یازده نفری با استفاده از روش آلفای کرونباخ محاسبه شد که ضریب ۰/۹۵ به دست آمد (به نقل از خجسته، ۱۳۸۳). این پرسشنامه از ۴۷ گویه تشکیل شده است. در مقابل هر گویه پنج گزینه از کاملاً موافقم (۵) تا کاملاً مخالفم (۱) براساس مقیاس لیکرت قرار دارد. در پژوهش حاضر ضریب پایایی این پرسشنامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۹۱ به دست آمد.

یافته ها

جدول شماره ۱ آماره های توصیفی متغیرهای رضایت زناشویی و پنج عامل شخصیت را نشان می دهد.

جدول ۱- آماره های توصیفی رضایت زناشویی و پنج عامل بزرگ شخصیت

متغیر	میانگین	انحراف معیار
رضایت زناشویی	۱۴۵/۷۴	۲/۰۶۵
نوروزگرایی	۳۶/۷۴	۳/۵۶
برونگرایی	۴۸/۰۲	۶/۴۵
تجربه پذیری	۲۶/۶۸	۲/۴۳
همسازی	۳۴/۳۵	۳/۳۲
وظیفه شناسی	۲۸/۸۱	۳/۴۴

هر دبستان، یک کلاس انتخاب شد. مادران دانش آموزان کلاسهای انتخاب شده نمونه پژوهش حاضر را تشکیل داده اند. البته مادرانی که از همسرانشان جدا شده بودند از نمونه حذف گردیدند و سرانجام ۴۰۰ مادر، نمونه نهایی این پژوهش بودند که تمامی آنها پرسشنامه های رضایت زناشویی و مقیاس پنج عاملی شخصیت را تکمیل کردند. میانگین سنی مادران ۳۶ سال ($SD = ۴/۰۸$ ، دامنه = ۳۰-۴۸) بود.

ابزار سنجش

مقیاس پنج عاملی نئو: در پژوهش حاضر برای اندازه گیری پنج عامل بزرگ شخصیت از پرسشنامه پنج عاملی نئو (کوستا و مک کری، ۱۹۸۹) استفاده شده است. این پرسشنامه فرم کوتاه پرسشنامه تجدیدنظر شده پنج عامل بزرگ شخصیت است که از لحاظ روایی و پایایی، هیچ تفاوتی با یکدیگر ندارند. پرسشنامه پنج عاملی نئو بیشترین و وسیع ترین کاربرد را در زمینه سنجش پنج عامل بزرگ شخصیت داشته و از حمایت های تجربی گسترده ای برخوردار است. مزیت استفاده از این پرسشنامه در این است که اجرای آن به زمان کمتری نیاز دارد و همچنین آزمودنی ها برای پاسخ به این پرسشنامه احساس خستگی زیادی نمی کنند (گروسی، ۱۳۸۰).

این پرسشنامه از ۶۰ گویه براساس مقیاس لیکرت (۱، کاملاً موافقم و ۵، کاملاً مخالفم) تهیه شده است که هر ۱۲ گویه آن یکی از پنج عامل بزرگ شخصیت (برون گرایی، همسازی، وظیفه شناسی، نوروزگرایی و تجربه پذیری) را اندازه می گیرد. نمرات هر عامل جداگانه محاسبه می شود و در نهایت پنج نمره به دست می آید.

کیامهر (۱۳۸۱) فرم کوتاه پرسشنامه پنج عاملی NEO-FFI را بر روی نمونه ای با حجم ۳۸۰ نفر از دانشجویان دانشکده علوم انسانی دانشگاه تهران اعتباریابی کرد. در این پژوهش برای تعیین روایی از روایی همزمان و تحلیل عاملی استفاده شد. ضریب همبستگی حاصل از روایی همزمان بین فرم کوتاه و بلند پرسشنامه بین ۰/۴۱ و ۰/۷۵ به دست آمد. آزمون کفایت نمونه گیری (KMO) و آزمون بارتلت برای عامل های پرسشنامه معنی دار به دست آمد ($P < ۰/۰۰۱$ ، $X^2 = ۲۸/۶۳۳۹$ ، $KMO = ۰/۷۷۵$).

در پژوهش کیامهر (۱۳۸۱) برای بررسی پایایی فرم کوتاه پرسشنامه پنج عاملی از روش بازآزمایی استفاده شده است که ضریب همبستگی بین دو اجرای آزمون برای عامل های پرسشنامه بین ۰/۶۵ و ۰/۸۶ به دست آمد. ضریب حاصل از همسانی درونی این پرسشنامه با آلفای کرونباخ

جدول ۲- ضرایب همبستگی پنج عامل شخصیت و رضایت زناشویی

متغیر	ضریب همبستگی
نوروزگرایی-رضایت زناشویی	$-.0/23^*$
برون گرایی- رضایت زناشویی	$-.0/08$
تجربه پذیری- رضایت زناشویی	$-.0/01$
همسازی- رضایت زناشویی	$-.0/11^*$
وظیفه شناسی- رضایت زناشویی	$-.0/15^*$

* $P < .0/05$

۱۳٪ واریانس توسط عامل همسازی ($R^2 = .13$) و ۱۲٪ واریانس رضایت زناشویی توسط عامل وظیفه شناسی ($R^2 = .12$) تبیین می شود. ضرایب تأثیر مبین آنست که نوروزگرایی، همسازی و وظیفه شناسی با رضایت زناشویی رابطه معنی داری دارند اما نوروزگرایی رابطه منفی ($\beta = -.0/27$) و همسازی ($\beta = .0/18$) و وظیفه شناسی ($\beta = .0/15$) رابطه مثبت با رضایت زناشویی نشان می دهد. به عبارت دیگر هرچه نوروزگرایی بیشتر باشد، رضایت زناشویی کمتر و هرچه نوروزگرایی کمتر باشد، رضایت زناشویی بیشتر است. در حالی که هرچه همسازی و وظیفه شناسی بیشتر شود، رضایت زناشویی نیز بیشتر می شود و با کاهش همسازی و وظیفه شناسی، رضایت زناشویی نیز کمتر می شود.

آنطور که جدول شماره ۲ نشان می دهد، بین عامل های برون گرایی و تجربه پذیری با رضایت زناشویی رابطه معنی دار وجود ندارد؛ بین عامل های همسازی و وظیفه شناسی با رضایت زناشویی رابطه مثبت معنی دار و بین عامل نوروزگرایی و رضایت زناشویی رابطه منفی معنی دار وجود دارد.

از آن جایی که رابطه معنی داری بین عامل تجربه پذیری و برون گرایی با رضایت زناشویی به دست نیامد، این دو عامل در معادله رگرسیون وارد نشدند همانطور که جدول شماره ۳ نشان می دهد، هریک از عاملهای شخصیتی نوروزگرایی، همسازی و وظیفه شناسی سهم معناداری در تبیین رضایت زناشویی دارند ($P < .0/01$). عامل شخصیتی نوروزگرایی ۲۲٪ واریانس مربوط به رضایت زناشویی را تبیین می کند ($R^2 = .22$).

جدول ۳- خلاصه نتایج رگرسیون پنج عامل بزرگ شخصیت با رضایت زناشویی

متغیر ملاک	متغیرهای پیش بین	R	R^2	F (P)	β	t (P)
نوروز گرایی		$-.0/48$	$.0/22$	۱۴/۱۳ ($.0/01$)	$-.0/27$	۳/۸۵ ($.0/01$)
رضایت زناشویی	همسازی	$.0/36$	$.0/13$	۱۵/۲۶ ($.0/01$)	$.0/18$	۳/۶۴ ($.0/01$)
وظیفه شناسی		$.0/34$	$.0/12$	۱۲/۰۸ ($.0/01$)	$.0/15$	۲/۶۵ ($.0/01$)

بررسی و تفسیر نتایج

ندارد و این عامل شخصیتی به طور عمده با تأثیرگذاری اجتماعی^۲ همبسته است (توبین و همکاران، ۲۰۰۰). با این حال، به دلیل تناقضاتی که در یافته های پژوهشی در زمینه رابطه بین برون گرایی و رضایت از ارتباط وجود دارد، لزوم مطالعات بیشتر جهت درک دقیق تر و روشن تر در این باره احساس می شود.

در پژوهش حاضر رابطه مثبت معنی دار بین همسازی و رضایت زناشویی به دست آمد. به عبارت دیگر این پژوهش نشان داد که همسازی، از متغیرهای پیش بینی کننده قوی رضایت زناشویی است. بسیاری از پژوهشگران عقیده دارند همسازی یک فرایند درون شخصی است که تأثیر مهمی بر کیفیت روابط بین شخصی نزدیک دارد (بوتونین و همکاران، ۱۹۹۷؛ بوچارد و همکاران، ۱۹۹۹؛ توبین و همکاران، ۲۰۰۰؛ گرازیانو و همکاران، ۱۹۹۶؛ واتسون و همکاران، ۲۰۰۰). همسازی به

یکی از نتایج پژوهش حاضر این است که بین عامل شخصیتی برون گرایی و رضایت زناشویی رابطه معنی دار وجود ندارد. این یافته ناهمخوان با نتایج پژوهش واتسون و همکاران (۲۰۰۰) است ولی همخوان با یافته های بدست آمده از پژوهش بوتونین و همکاران (۱۹۹۷) می باشد. نکته جالب این است که در پژوهش واتسون و همکاران (۲۰۰۰) مانند پژوهش حاضر از پرسشنامه NEO-FFI برای اندازه گیری پنج عامل شخصیت استفاده شده است. ولی بوتونین و همکاران (۱۹۹۷) از ابزار دیگری برای اندازه گیری شخصیت استفاده کرده اند. در تبیین یافته پژوهش حاضر مبنی بر عدم وجود رابطه معنی دار بین برون گرایی و رضایت زناشویی برخی از پژوهشگران معتقدند برون گرایی اهمیت چندانی در شکل دهی کیفیت روابط نزدیک^۱، از جمله روابط زوجین،

نوروزگرایی بر تمامی فرایندهای پویا و مستمر ازدواج تأثیر منفی دارد. یافته‌های این پژوهش نشان داد که زوجین با نوروزگرایی بالا در مقایسه با کسانی که نوروزگرایی پایین دارند، به هنگام رویارویی با موقعیت‌های حل مسأله، رفتارها و عواطف منفی بیشتری نشان می‌دهند و این پژوهشگران معتقدند چنین ویژگی‌هایی احتمال جدایی و طلاق را افزایش می‌دهد. نتایج پژوهش بوکگر و شیلینگ (۱۹۹۱) در زمینه نقش خصوصیات شخصیتی در برخورد با استرس‌های زندگی نشان داد که بین نوروزگرایی با تضادهای بین شخصی و آزردهیهای عمومی همبستگی وجود دارد. بنابراین می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که نوروزگرایی یک بعد شخصیتی است که زمینه بروز بسیاری از رفتارهای کلامی و غیرکلامی منفی و مستمر بین زوجین را فراهم کرده، رضایت زناشویی را کاهش می‌دهد.

در این پژوهش رابطه معنی‌داری بین عامل شخصیتی تجربه‌پذیری و رضایت زناشویی به دست نیامد. گرچه این یافته ناهمخوان با نتایج پژوهش بوتوین و همکاران (۱۹۹۷) است، اما همان‌طور که مک کری و کوستا (۱۹۹۷) بیان داشته‌اند در میان پنج عامل بزرگ شخصیت، عامل تجربه‌پذیری، پیچیده‌ترین عامل می‌باشد و درک و شناسایی آن مشکل است. بنابراین مطالعات و پژوهش‌های بیشتری باید صورت گیرد تا رابطه بین این عامل و رضایت زناشویی مشخص شود.

منحصر نمودن نمونه به زنان از محدودیت‌های این پژوهش است، بنابراین پیشنهاد می‌شود مطالعاتی در این زمینه بر روی مردان نیز صورت گیرد. به‌طور کلی پژوهش در این باره که چگونه شخصیت بر روابط زوجین تأثیر می‌گذارد، از جنبه نظری و کاربردی از اهمیت بسیار برخوردار است. این پژوهش نشان داد که عوامل درون‌شخصی وسیعی با کیفیت تعاملات و روابط بین زوجین همبسته است و انجام پژوهش‌های بیشتری در زمینه تأثیر عوامل مختلف شخصیت بر ازدواج لازم است تا بتوان درک دقیق‌تری از چگونگی تأثیر عوامل مختلف شخصیت بر ازدواج به دست آورد.

مراجع

خجسته، مهرداد (۱۳۸۳). مقایسه نگرش مذهبی، رضایت زناشویی و برخی از ویژگی‌های شخصیتی والدینی که فرزند عقب‌مانده ذهنی خود را در خانه نگهداری می‌کنند و والدینی که آنها را به مرکز نگهداری عقب‌مانده‌های ذهنی می‌سپارند. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.

فراهانی، محمدنقی، فرزاد، ولی‌ا... و فتوحی، محمود (۱۳۸۳). مطالعه لغوی شخصیت در زبان فارسی، مجله روان‌شناسی، ۲، ۲۰۴-۱۸۳.

گروس، میرتقی، (۱۳۸۰) رویکردهای نوین در ارزیابی شخصیت (کاربرد تحلیل عاملی در مطالعات شخصیت). نشر دانیا.

عنوان یک عامل شخصیتی دربرگیرنده صفاتی مانند همکاری، هماهنگی اجتماعی، همدردی با دیگران، صمیمیت و بخشندگی است. افرادی با همسازی بالا، تمایل بسیار دارند که به دیگران کمک کنند. آنها عقیده دارند که اکثریت مردم صادق، شریف و قابل اعتماد هستند (کوستا و مک کری، ۱۹۸۹). جنس - کمپل و گرازیانو (۲۰۰۱) به بررسی نقش تعدیل‌کنندگی همسازی در تضادهای بین شخصی^۱ پرداختند. این پژوهشگران دریافته‌اند اشخاص با همسازی بالا در مقایسه با دیگران از محبوبیت بیشتری برخوردارند. این مطالعه نشان داد که این دسته از افراد به هنگام تضاد با دیگران از روش‌های سازنده^۲ استفاده می‌کنند، در حالی که کسانی که همسازی پایین دارند، از شیوه‌های قهری^۳ و یا اعمال قدرت^۴ استفاده می‌کنند.

در پژوهش حاضر بین وظیفه‌شناسی و رضایت زناشویی رابطه مثبت معنی‌دار به دست آمد. به بیان دیگر این پژوهش نشان داد که عامل شخصیتی وظیفه‌شناسی به خوبی می‌تواند رضایت زناشویی را پیش‌بینی کند برخی از پژوهش‌ها حاکی از آن است که ثبات و پایداری ازدواج در میان زوجین وظیفه‌شناس به‌طور معنی‌داری بیشتر از زوجین با وظیفه‌شناسی پایین است (کنلی و کلی، ۱۹۸۷، به نقل از جارویس، ۲۰۰۶). برخی از پژوهشگران معتقدند کنترل تکانه^۵ از مؤلفه‌های مهم وظیفه‌شناسی به‌شمار می‌رود. افراد وظیفه‌شناس قادرند تکانه‌های خود را به شکل مناسب کنترل کنند و رفتارهای ناپهناجرمانند مصرف مواد مخدر، پرخاشگری جسمانی و خیانت به همسر در آنان کمتر مشاهده می‌شود (کوردک، ۱۹۹۳). نتایج برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهند که وظیفه‌شناسی پایین، احتمال بروز رفتارهای ضد اجتماعی را افزایش می‌دهد. شوهران با وظیفه‌شناسی پایین به استرس‌های زناشویی با روی آوردن به الکل و پرخاشگری جسمانی پاسخ می‌دهند و چنین رفتارهایی می‌تواند به تدریج رضایت زناشویی را کاهش دهد (هارت، دوتن و نیولاو، ۱۹۹۳).

جارویس (۲۰۰۶) معتقد است تعهد شخصی^۶ یکی از مؤلفه‌های وظیفه‌شناسی است. این مؤلفه در زوجین با وظیفه‌شناسی بالا سبب می‌شود تلاشی هدفمند برای حفظ و ثبات روابطشان نشان دهند. همچنین نگرش و ارزیابی این دسته از افراد از زندگی مشترکشان مثبت است. پژوهش فورواکو و همکاران (۲۰۰۲) نشان داد که زنان وظیفه‌شناس، شوهرانشان را با صفاتی مانند حمایت‌کننده، شریف و کمتر کنترل‌کننده توصیف می‌کنند (به نقل از جارویس، ۲۰۰۶). همچنین مؤلفه تعهد شخصی در زوجین با وظیفه‌شناسی بالا بر کیفیت تعاملات رفتاری آنها نسبت به یکدیگر اثر می‌گذارد و به‌طور کلی زوجین وظیفه‌شناس تلاش هدفمند برای افزایش کیفیت زندگی زناشویی و برقراری جو عاطفی مناسب دارند.

در پژوهش حاضر بین عامل شخصیتی نوروزگرایی و رضایت زناشویی رابطه منفی معنی‌دار به دست آمد. در واقع نوروزگرایی پیش‌بینی‌کننده قوی رضایت زناشویی پایین است. این یافته همخوان با پژوهش‌های متعددی است که در این زمینه صورت گرفته است (بوچارد و همکاران، ۱۹۹۹؛ بوتوین و همکاران، ۱۹۹۷؛ رایبیز و همکاران، ۲۰۰۲؛ کالگین و همکاران، ۲۰۰۰). کالگین و همکاران (۲۰۰۰) با پژوهشی در زمینه خصوصیات شخصیتی و روابط زناشویی دریافته‌اند که عامل شخصیتی

- 1-interpersonal conflict
- 2-constructive
- 3-coercive

- 4-power assertion
- 5-impulse control
- 6-personal commitment

- Hart, S.D., Dutton, D.G. & New love, t. (1993). The prevalence of personality disorder among wife assaulters. *Journal of Personality Disorders*, 7(4), 329-341.
- Jarvis, M.O. (2006). The long term role of Newlywed conscientiousness and religiousness in marriage. Unpublished Doctoral Dissertation. University of Texas at Austin.
- Jensen-Campbell, L.A. & Graziano, W.G. (2001). Agreeableness as a moderator of interpersonal conflict. *Journal of Personality*, 69, 323-361.
- Karney, B. and Bradbury, T.N. (1995). The longitudinal course of marital quality and stability: A review of theory, methods, and research. *Psychological Bulletin*, 118, 3-34.
- Kurdek, L.A. (1993). Predicting marital dissolution: A 5 year prospective longitudinal study of Newlywed couples. *Journal of Personality and Social Psychology*, 64, 221-242.
- McCrae, R.R. and Costa, P.T. (1997). Conceptions and correlates of openness to experience. In: Hogan, R., Johnson, J. and Briggs, S., Editors, 1997. *Handbook of personality psychology*, Academic Press, San Diego, 825-847.
- Robins, R.W., Caspi, A. and Moffitt, T.E. (2002). It's not just who you're with, it's who you are: Personality and relationship experiences across multiple relationships. *Journal of Personality*, 70, 925-964.
- Tobin, R.M., Graziano, W.G., Vanman, E.J. and Tassinary, L.G. (2000). Personality, emotional experience, and efforts to control emotions. *Journal of Personality and Social Psychology*, 79, 656-669.
- Watson, D., Hubbard, B. and Wiese, D. (2000). General traits of personality and affectivity as predictors of satisfaction in intimate relationships: Evidence from self- and partner-ratings. *Journal of Personality*, 68, 413-449.
- کیامهر، جواد (۱۳۸۱). هنجاریابی فرم کوتاه پرسشنامه پنج عاملی NEO.F.F.I و بررسی ساختار عاملی آن (تحلیل تأییدی) در بین دانشجویان دانشکده علوم انسانی دانشگاه تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی.
- Bolger, N. and Schilling, E.A. (1991). Personality and the problems of everyday life: The role of neuroticism in exposure and reactivity to daily stressors. *Journal of Personality*, 59, 355-386.
- Bouchard, G., Lussier, Y. and Sabourin, S. (1999). Personality and marital adjustment: Utility of the five-factor model of personality. *Journal of Marriage and Family*, 61, 651-660.
- Botwin, M.D., Buss, D.M. and Shackelford, T.K. (1997). Personality and mate preferences: Five factors in mate selection and marital satisfaction. *Journal of Personality*, 65, 107-136.
- Bradbury, T.N. and Fincham, F.D. (1988). Individual difference variables in close relationships: A contextual model of marriage as an integrative framework. *Journal of Personality and Social Psychology*, 54, 713-721.
- Caughlin, J.P., Huston, T.L. and Houts, R.N. (2000). How does personality matter in marriage. An examination of trait anxiety, interpersonal negativity, and marital satisfaction. *Journal of Personality and Social Psychology*, 78, 326-336.
- Costa, P.T. and McCrae, R.R. (1989). *The NEO PI/FFI: Manual supplement.*, Psychological Assessment Resources, Odessa, FL.
- Gottman, J.M. (1994). What predicts divorce? The relationship between marital processes and marital outcomes. , Erlbaum, Hillsdale, NJ.
- Gottman, J.M. (1998). Psychology and the study of the marital processes. *Annual Review of Psychology*, 49, 169-197.
- Graziano, W.G., Jensen-Campbell, L.A. and Hair, E.C. (1996). Perceiving interpersonal conflict and reacting to it: The case for agreeableness. *Journal of Personality and Social Psychology*, 70, 820-835.